

۱۰ پیشنهاد برای بهبود اوضاع اقتصادی

مسعود خوانساری

ایالات متحده آمریکا طی یک سال گذشته بیشترین تلاش خود را برای اعمال فشار بر ایران به کار گرفته است. هیات حاکم و همچنین ترامپ همگی از چهره‌های ضد ایرانی به شمار می‌آیند که بامواضع بسیار تند تلاش کرده‌اند فضای بین‌المللی را نیز علیه ایران با خود همراه سازند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا با انتصاب افراد سرسخت مخالف ایران، به دنبال ایجاد اتساق فرمانی برای هماهنگی این سیاست‌ها است. ترامپ با انتصاب افراد سرسخت مخالف ایران، همچنین ایجاد اتاق فرمانی که تمام سیاست‌های دولتش را در این جهت هماهنگ و همگن می‌سازد، امیدوار است بتواند اجماع جهانی را به خروجی مشخص در مورد اقتصاد ایران تبدیل کند. در حوزه اقتصادی وقتی اهالی کسب و کار اعتماد خواهند کرد که طرف مشورت قرار گیرند، از این رو ضرورت دارد از پتانسیل و ظرفیت بخش خصوصی کمال استفاده به عمل آید. اخیراً مقام معظم رهبری در دیدار اعضای دولت به موضوع بسیار مهمی اشاره کردند. ایشان به اعضای دولت گفتند که نظرات بخش خصوصی را «بخوانند و بشنوند و ببینند». رویکرد رهبر انقلاب در مقابل بخش خصوصی قابل تقدیر و قدردانی است. پیش از این هم ایشان در جریان ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های خصوصی‌سازی و برنامه اقتصاد مقاومتی را یکدیسبسیاری به حرکت در مسیر اقتصاد مردمی و اقتصاد امن داشته‌اند. اما جالب این‌که ما امروز نه تنها برای مقاومت در برابر تحریم‌ها برنامه‌های جدی پیش نگرفته‌ایم، که بعضی از اقدامات هم منجر به تحریم‌های داخلی شده است. به همین دلیل باید بیانات رهبری را فصل الخطاب همه مناقشات قرار دهیم و با مشارکت آحاد ملت به خصوص افراد شاخص در حوزه اقتصاد، صنعت و تجارت کوتاه‌ترین و بهینه‌ترین روش‌ها را برای عبور از بحران‌ها پیش گیریم. به برخی از این موارد می‌توان چنین اشاره کرد:

اول: تشکیل سستانی با عنوان رصد مقابله با تحریم‌ها به فرماندهی یک مدیر مقتدر و صاحب دانش و صلاحیت در حوزه اقتصادی که بتواند زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور و با همکاری شورای هماهنگی که توسط رهبری ایجاد شده، مهم‌ترین مشکلات مربوط به حوزه تحریم‌ها را بررسی و حل و فصل کند. این ستاد می‌تواند همان‌طور که رهبری اخیر اشاره کرده‌اند، با ایجاد مکانیزم‌های هدفمند امکان تعامل بخش خصوصی و دولت در این حوزه را به بالاترین سطح ممکن ارتقا دهد.

دوم: تعریف سناریوهای پیش رو با این تمرکز که در صورت کاهش صادرات نفت، چگونه می‌توان اقتصاد کشور را اداره کرد و از آن مهم‌تر همچنان راه‌های ارتباط اقتصادی با جهان را زنده نگاه داشت. **سوم:** متناسب با هر کدام از سناریوهای پیش‌بینی شده، برنامه‌های اجرایی نیز طراحی و آماده اجرا شود. این برنامه‌ها باید تمام حوزه‌های اثرگذار اقتصادی را تحت پوشش قرار دهد و مانع از بروز بحران یا شوک در جامعه شود.

چهارم: مهم‌ترین و شاخص‌ترین نقطه التهاب اجتماعی در ایران، وضعیت معیشتی پنج‌دهک‌اول کشور است. به همین جهت و به منظور جلوگیری از بروز آسیب به این اقشار به سرعت با اصلاح مکانیزم‌ها و شیوه اجرا، پرداخت یارانه‌های مستقیم، نقدی و کالایی برای آنها قرار شود.

پنجم: متأسفانه طی چند ماه اخیر و به خصوص در دوران بحران ارزی شائبه‌های بسیاری در مورد شیوه بازگشت ارز به کشور وجود داشت. به همین جهت باید به‌فوری و جدیت امکانی ایجاد شود تا ارز حاصل از صادرات به خصوص صنایع پتروشیمی و فولاد به کشور بازگردد.

ششم: خوراک پتروشیمی‌ها به قیمت ارز آزاد محاسبه و از محل مابه‌التفاوت آن، هزینه یارانه‌ها تامین شود.

هفتم: قیمت حامل‌های انرژی تعدیل شود و با پرداخت یارانه نقدی حمل و نقل به آحاد ملت، از قاچاق جلوگیری و عدالت در جامعه برقرار شود.

هشتم: امکان صادرات بنزین و گازوئیل به کشورهای همسایه مهیا شود.

نهم: ارتباط بخش خصوصی با بازار همسایگان (پاکستان، افغانستان، ترکیه و عراق) را گسترش داده و دوا دوستدار آنها تقویت شود. به خصوص موانع موجود بر سر راه این ارتباط باید به سرعت از میان برود. به این ترتیب هم صادرات افزایش می‌یابد و هم واردات اقلامی که با تحریم مواجه شده‌اند از طریق این کشورها به انجام می‌رسد.

دهم: در مصارف دولت صرفه‌جویی صورت گیرد و تا حد قابل‌محکم کاهش میسر شود. ضمن اینکه تدابیر لازم برای کنترل نقدینگی و ایجاد انضباط بانکی نیز اندیشیده و اجرایی شود.

ضرورت بازگشت ارز صادراتی به کشور

جای خالی دیپلماسی اقتصادی در بحران ارزی



امین قلعه‌ای

اقتصاد ایران در تب بازار ارز می‌سوزد. هر روز اخبار متناقضی از قیمت ارز در رسانه‌ها منتشر می‌شود. برخی کانال‌های رسمی از کاهش قیمت دلار در بازارهای آتی خبر می‌دهند، اما شهروندان روزانه در معرض اخباری متضاد از مواضع رسمی بانک مرکزی قرار دارند. از یک سو بانک مرکزی تلاش می‌کند با صدور بخشنامه و دستورالعمل‌های جدید روند واردات ارز صادراتی به کشور را تسهیل کند و از سوی دیگر فعالان اقتصادی در حوزه واردات این بخشنامه‌ها و دستورالعمل را ناکافی ارزیابی می‌کنند. گذشته از لزوم ایجاد شفافیت در فرایندهای اقتصادی کشور اینگونه به نظر می‌رسد که مشکلات ارزی کشورمان به دلیل بی‌توجهی به نقاط کانونی مبادلات تجاری ایران و لزوم دستیابی به توافقات تجاری با این کشورها در شرایط جدید اتفاق افتاده است. بر اساس آمارها حجم مبادلات تجاری ایران با ترکیه در سال گذشته میلادی ۱۰٫۷ میلیارد دلار و با عراق در حدود ۷ میلیارد دلار بوده است. مبادلاتی که حالا و به دنبال تحریم‌های آمریکا با مشکلات اساسی مواجه شده است. غلامرضا شافعی رئیس اتاق ایران در مورد اهمیت حفظ مبادلات

تجاری با کشورهای همسایه گفته بود: «توجه به کشورهای همسایه موضوع بسیار مهمی است و با توجه به محدودیت‌هایی که پیش رو داریم شاید حرکت به سمت قراردادهای تجارت ترجیحی با کشورهای همسایه یکی از راه‌های آتی خبر می‌دهند، اما شهروندان روزانه در معرض اخباری متضاد از مواضع رسمی بانک مرکزی قرار دارند. از یک سو بانک مرکزی تلاش می‌کند با صدور بخشنامه و دستورالعمل‌های جدید روند واردات ارز صادراتی به کشور را تسهیل کند و از سوی دیگر فعالان اقتصادی در حوزه واردات این بخشنامه‌ها و دستورالعمل را ناکافی ارزیابی می‌کنند. گذشته از لزوم ایجاد شفافیت در فرایندهای اقتصادی کشور اینگونه به نظر می‌رسد که مشکلات ارزی کشورمان به دلیل بی‌توجهی به نقاط کانونی مبادلات تجاری ایران و لزوم دستیابی به توافقات تجاری با این کشورها در شرایط جدید اتفاق افتاده است.

بانک مرکزی چه می‌گوید؟

نوزدهم شهریور ماه بانک مرکزی در بخشنامه‌ای چهار روش واردات ارز صادراتی به کشور را اعلام کرد. بر پایه این بخشنامه، همه صادرکنندگان باید ارز حاصل از صادرات را به چرخه اقتصاد بازگردانند. بانک مرکزی طی این بخشنامه شیوه‌های رفع تعهد ارزی را تعیین کرده و مدت زمان سه ماهه را برای بازگشت ارز حاصل از صادرات کالاهای غیر از پتروشیمی و فولاد اعلام کرده است. در نسخه‌ای از این بخشنامه که از سوی کنفدراسیون صادرات ایران منتشر شده، چهار روش رفع تعهد ارزی مشخص شده است. بر اساس این بخشنامه، علاوه بر اینکه صادرکنندگان کالاهای غیر از پتروشیمی و فولاد باید ظرف سه ماه ارز خود را به کشور بازگردانند، مکلفند به آشیوه تعیین شده رفع تعهد ارزی نمایند. واردات در مقابل

صادرات خود یا اشخاص ثالث، پرداخت جهت تسهیلات ارزی اعم از فاینانس، ریفاینانس، یوآنس، فروش ارز به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز، سپرده‌گذاری ارزی نزد بانک‌ها. صدور این بخشنامه آخرین راه حل بانک مرکزی برای بازگشت ارز ناشی از صادرات غیر نفتی به کشور بوده است. بخشنامه‌ای که به نظر می‌رسد بر خلاف فعالان صنعت پتروشیمی و البته فولاد با واکنش مواجه شده است. صدور این بخشنامه از سوی بانک مرکزی اما واکنشی بود که به روشنی عدم تعهد صادرکنندگان به اقتصاد ایران را نشان می‌داد. رئیس‌جمهور در اواسط ماه گذشته گفته بود که صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای دیگر بالغ بر چهل میلیارد دلار است که در شش ماهه نخست امسال، نصف این مبلغ به کشور بازنگشته است. در روزهای نخست اما پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها به عنوان مقصر اصلی نوسانات در بازار ارز معرفی شدند با گذشت زمان اما مشخص شده است که صاحبان این صنایع در دو ماه اخیر بیش از هشتاد درصد ارز حاصل از صادرات محصولات خود را در سامانه نیما یا همان بازار ثانویه به فروش رسانده‌اند و این باقی صادرکنندگان کالاهای ایرانی هستند که حاضر به ثبت ارز ناشی از صادرات محصولات خود در سامانه نیما نیستند.

گذشته از لزوم ایجاد شفافیت در فرایندهای اقتصادی کشور این گونه به نظر می‌رسد که مشکلات ارزی کشورمان به دلیل بی‌توجهی به نقاط کانونی مبادلات تجاری ایران و لزوم دستیابی به توافقات تجاری با کشورهای همسایه در شرایط جدید اتفاق افتاده است

اتاق بازرگانی چه می‌گوید؟

به مجرد صدور این بخشنامه از سوی بانک مرکزی اما صدای اعتراض و انتقاد فعالان اقتصادی بلند شد. در گام نخست این رئیس اتاق ایران بود که در نامه‌ای به معاون اول رئیس‌جمهور خواستار اصلاح این بخشنامه شد. غلامحسین شافعی در نامه‌ای خطاب به معاون اول رئیس‌جمهور، ضمن تأکید بر ضرورت اجتناب از «صدور بخشنامه‌های پیاپی بدون توجه به سازوکارهای اجرایی آن‌ها»، با ارائه ۸ راهکار خواستار اصلاح دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی شده است که در آن با اشاره به کاستی‌های موجود، صراحتاً اعلام کرده است: اتاق ایران با اجرای طرح پیمان‌سپاری بدون حل و فصل تنگنای آن، موافق نیست. لذا در شرایط کنونی و به

منظور احترام از تجربه ناموفق پیمان‌سپاری ارزی در گذشته، چنانچه برابر با دستورالعمل صادره الزام به اجرای آن وجود دارد، پیشنهاد می‌شود موارد مورد نظر اتاق ایران در آن لحاظ شود. وی معتقد است که دستورالعمل‌های صادر شده نباید با شرایط اقتصادی و بسترهای حاکم در تضاد باشد و نوشت: «در شرایطی که سیستم بانکی کشور به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده، امکان نقل و انتقالات کارآمد پولی را ندارد، چگونه انتظار می‌رود صادرکنندگان ارز خود را به چرخه اقتصاد بازگردانند. این در حالی است که معمولاً فرماندهان در زمان جنگ و تنگ‌تر شدن حلقه محاصره، آزادی عمل بیشتری به سربازان خود می‌دهند تا از محاصره خارج شوند. بخشنامه‌های پیاپی که هر یک به نحوی از انحاء، فعالیت بخش واقعی اقتصاد را تحت الشعاع قرار می‌دهند، باید حداقل‌سازی شوند تا فضای عدم اعتماد به سیاست‌های اقتصادی، تجاری و ارزی در جامعه ایجاد نگردد.»

شافعی در نامه خود خطاب به معاون اول رئیس در گام نخست خواستار طولانی‌تر شدن زمان بازگشت ارز به کشور شد. او پیشنهاد داد که به جای سه ماه، ۶ یا ۹ ماه زمان برای بازگشت ارز ناشی از صادرات به کشور در نظر گرفته شود. شافعی در نامه خود علاوه بر آنکه درخواست کرد که قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی به کشورهای همسایه بر پایه قیمت سامانه نیما انجام شود، اعلام کرد: «صادرات به کشورهایی مانند عراق، افغانستان، کشورهای منطقه CIS و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که از بسیاری از مواقع با استفاده از ریال جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، نمی‌تواند مشمول حکم بازگشت ارز به چرخه اقتصادی کشور گردد.» این سخن به این معناست که فروش محصولات ایرانی در عراق که برپایه آمارها عددی بالغ بر ۷ میلیارد دلار را شامل می‌شود، به صورت ریالی انجام می‌پذیرد. موضوعی که البته با از سوی آگاهان با تردیدهای جدی مواجه شده است.

چه باید کرد؟

کش و قوس میان دستگاه‌های دولتی و فعالان اقتصادی بدون

بی‌ثباتی و عدم شکل‌گیری توافقات تجاری با کشورهای همسایه در شرایط تحریم از یک سو دستورالعمل‌های بانک مرکزی در بازار ارز را از کارآمدی انداخته و از سوی دیگر نگرانی‌ها در مورد ثبات بازارهای این کشورها برای تجارت و صادرکنندگان ایرانی را تشدید کرده است

تردید بی‌ثباتی شرایط اقتصادی در ایران را دامن خواهد زد. مرور مواضع طرفین در خصوص نحوه بازگشت ارز صادراتی به خوبی نشان می‌دهد که تعیین خط درستی یا نادرستی مواضع میان این دو طرف با توجه به شرایط پر التهاب سیاست خارجی تا حدود زیادی غیر ممکن است. در این بین اما اینگونه به نظر می‌رسد که نگرانی‌های فعالان اقتصادی نسبت به آینده بازار ارز و تلاش آنها برای نگهداری ارز ناشی از صادرات محصولات خود خارج از چرخه اقتصادی کشور به‌غرنج شدن شرایط منجر شده است. از همین رو باید گفت حل این معضل نه در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی که با ایجاد چرخه باثبات تبادل کالا با کشورهای همسایه نظیر ترکیه، افغانستان و عراق و کشورهای آسیای میانه میسر است. متأسفانه آنچه مشهود است، دستگاه دیپلماسی کشور تنها ایجاد کانال ارتباط مالی با کشورهای اروپایی را در دستور کار خود قرار داده و در این شرایط مبادلات تجاری با کشورهای همسایه که از قضا حجم اصلی صادرات غیر نفتی ایران را شامل می‌شود، از قلم افتاده به نظر می‌رسد. بی‌ثباتی و عدم شکل‌گیری توافقات تجاری با کشورهای همسایه در شرایط تحریم از یک سو دستورالعمل‌های بانک مرکزی در بازار ارز را از کارآمدی انداخته و از سوی دیگر نگرانی‌ها در مورد ثبات بازارهای این کشورها برای تجارت و صادرکنندگان ایرانی را تشدید کرده است. در حقیقت پرسش اصلی این است که دیپلماسی اقتصادی کشورمان در میانه بحران اقتصادی موجود مشغول چه کاری است؟



ایران یکی دیگر از دلایل افزایش قیمت رب را گران شدن قوطی و درهای آسان‌باز شو و درهای ساده رب عنوان کرده و گفته بود که از ابتدای فصل رب داشت گوجه‌فرنگی با توجه به کم‌آبی پیش آمده نسبت به کمبود گوجه‌فرنگی هشدار داده شده بود و در جلسات برگزار شده در وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت جهاد کشاورزی و کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز درخواست ممنوعیت صادرات این محصول ارائه شده بود اما، دستور ممنوعیت صادرات گوجه‌فرنگی توسط وزیر صنعت، معدن و تجارت وقتی صادر شد که که از اوج فصل برداشت گذشته‌ایم و گوجه‌فرنگی‌ها صادر شده‌اند.

محصول به حد نصاب خواهد رسید. رییس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی با اشاره به اینکه یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت‌ها، تقاضای بیش از حد کشورهای همجوار است، گفت: صادرات و ارزآوری برای کشور زمانی مجاز است که از نظر داخلی تامین باشیم. به گفته وی، کاهش ارزش پول ایران باعث شده فروش محصولات داخلی به صورت قانونی یا غیرقانونی در مرزها، سود بالایی به همراه داشته باشد که در نتیجه آن تمایل تولیدکنندگان به صادرات افزایش یافته است و از طرف دیگر خرید محصولات ایرانی برای کشورهای همجوار بسیار ارزان تمام می‌شود. البته پیش‌تر هم دبیر سندیکای صنایع کنسرو

در این میان، افزایش قیمت گوجه‌فرنگی در هزینه تمام شده کارخانه‌های تولید رب گوجه تأثیر گذاشت و بیش از دو برابر شد. اما رییس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی، تأکید دارد که این افزایش قیمت نباید رخ می‌داد، چرا که رب‌هایی که اکنون در بازار است در ماه‌های گذشته و با استفاده از گوجه‌فرنگی کیلویی ۵۰۰ تومان تهیه شده است.

اسدالله کارگر در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اینکه مشکل کاهش عرضه گوجه‌فرنگی حل شده است، گفت: صادرات بی‌رویه، جمع‌آوری گوجه برای کارخانه‌های رب و تعطیلات تاسوعا و عاشورا هم‌زمان باعث افزایش قیمت گوجه‌فرنگی شد. چرا که جمع‌آوری گوجه برای کارخانه‌های رب‌سازی در شرایط عادی مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما در زمان تعطیلات و همچنین صادرات بی‌رویه این محصول باعث کاهش عرضه و افزایش قیمت شد.

وی افزود: با توجه به اینکه در تعطیلات تاسوعا و عاشورا که کارگران، کامیون‌داران و توزیع‌کنندگان کار نمی‌کنند، کاهش عرضه این محصول در بازار تشدید شد. کارگر همچنین خاطر نشان کرد: اگر اطلاع ثانوی ممنوعیت صادرات گوجه‌فرنگی اجرا شود، عرضه این

رب نباید گران می‌شد

در پی افزایش قیمت گوجه‌فرنگی در روزهای اخیر، قیمت رب گوجه‌فرنگی نیز حدود دو برابر شده است که رییس اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی می‌گوید دلیل آن افزایش قیمت گوجه‌فرنگی نیست، چرا که رب‌هایی که اکنون در بازار است با گوجه‌فرنگی کیلویی ۵۰۰ تومان تهیه شده است.

به گزارش ایسنا، قیمت گوجه‌فرنگی از اواسط شهریور ماه سیر صعودی داشته است؛ به طوری که طبق آمار بانک مرکزی در روزهای آخر شهریور نسبت به ماه قبل ۴۲۰۱ درصد گران شده و قیمت آن در روزهای اخیر به حدود ۷۰۰۰ تومان رسیده است که فروشندگان، مهم‌ترین علت این افزایش قیمت را صادرات بی‌رویه این محصول می‌دانند که براساس آمار رسمی منتشر شده طی پنج ماهه نخست امسال بالغ بر ۳۵۴ هزار تن گوجه‌فرنگی به ارزشی بالغ بر ۱۸۰ میلیون دلار به کشورهای مختلف صادر شده است.

در این راستا وزارت صنعت معدن و تجارت در بخشنامه‌ای، از تاریخ ۲۷ شهریور صادرات گوجه‌فرنگی به استثنای گوجه‌های گلخانه‌ای را اطلاع ثانوی ممنوع کرد و وزارت کشاورزی نیز وعده داد که به زودی عرضه گوجه‌فرنگی افزایش و قیمت آن کاهش می‌یابد.